www.aminnews.ir
aminnewspaper1376
روزنامه سراسری و کثیرالانتشار صبح ایران
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان
aminnewsagency
amine.mardom@yahoo.com

ازغنی‌سازی کوتاه نمی‌آییم

امین

PDF Compressor Free Version

پرحاشیه ترین وزیر دولت پزشکیان

سه شنبه ۳۰ اردیبهشت ۲۲/۱۴۰۴ ذی القعده ۱۴۴۶هـ . ق/ 20 May 2025 / شماره ۶۹۹۶ / سال بیست و هشتم

یادداشت

آیا حصول نتیجه از مذاکرات دست‌یافتنی است؟

نسیبه پیرایش

بخش قابل‌توجهی از سخنرانی دونالد ترامپ در عربستان روی موضوع ایران متمرکز بود و کشور ما را با ترکیبی از انتقادهای تند، پیشنهاد و تهدید مورد خطاب قرار داد. اظهاراتی که واکنش‌هایی نیز از سوی مقامات ایرانی به‌دنبال داشت. با توجه به برگزاری دور پنجم مذاکرات ایران و آمریکا در مسقط، در روزهای اخیر برخی کارشناسان بر این باور هستند که سخنان رئیس‌جمهور آمریکا تأثیرات مستقیمی بر روند گفت‌وگوها خواهد گذاشت، در حالی که در آغاز تصور می‌شد روند مذاکرات بدون چالش جدی پیش برود.

اما اکنون این پرسش مطرح است که چقدر می‌توان به حصول نتیجه و توافق امیدوار بود؟ در این باره احمد زیدآبادی با تردید به ادامه روند مذاکرات نگاه می‌کند. او در یادداشتی نوشت: «موضوعی که از اظهارات ترامپ و ویتکاف و روبیو کاملاً روشن شده این است که پیشنهاد ترامپ برای حل و فصل مسئلهٔ هسته‌ای ایران شامل پذیرش هیچ سطحی از غنی‌سازی اورانیوم در خاک ایران نیست. حالا قرار است مذاکرات چگونه ادامه یابد؟ خدا می‌داند!»

علی بیگدلی، تحلیلگر سیاست خارجی اما معتقد است که سخنان ترامپ بر روند مذاکرات اثری نخواهد گذاشت. او که با رویداد ۲۴ گفتگو می‌کرد، اظهار داشت: «اظهارات ترامپ در ریاض بر مسیر گفت‌وگوهای تهران و واشنگتن اثرگذار نخواهد بود، چون هم ما برای رسیدن به توافق نیازمندیم مذاکره کنیم و هیچ راه دیگری نداریم و هم ترامپ جز دیپلماسی مسیر دیگری نمی‌تواند برود. او در سفر ٤ روزه‌اش به منطقه قراردادهای سنگینی با ۳ کشور عربی امضا کرد بنابراین قابل پذیرش نیست که بخواهد این قراردادها را نادیده بگیرد و مذاکرات را سلاخی کند تا سمت جنگ برود. در حال حاضر گرانی‌های زیادی در آمریکا به وجود آمده است و این موضوع نیز دست ترامپ را برای رفتن به سمت تنش‌های بیشتر با ایران می‌بندد. معتقدم اظهارات ترامپ خیلی مهم نیست و اگر جای مقامات کشور بودم خیلی تلاش نمی‌کردم که با رئیس جمهور آمریکا وارد درگیری کلامی شوم.»

بیگدلی با بیان اینکه ما دیگر زمان نداریم، گفت: «آمریکایی‌ها بیشتر از ما نیاز به برقراری صلح و ثبات در منطقه دارند؛ باید به ابتکارعملی فوری دست بزنیم تا روند مذاکرات با اروپایی‌ها مثبت شود؛ مثلا در همکاری با آژانس اقدامی راهگشایی انجام دهیم. این طور نباشد که بنشینیم تا ببینیم این آب روان به کجا می‌رود. اگر از این مذاکرات شکست خورده بیرون بیاییم باید منتظر شورش‌های اجتماعی باشیم.»

عزت‌الله یوسفیان‌ملا، تحلیلگر مسائل سیاست خارجی هم درباره این موضوع به نامه‌نیوز گفت: «در فضای سیاسی، وقتی مذاکراتی آغاز می‌شود، نباید انتظار داشت تمام واقعیت‌ها در همان متن و محتوای مذاکرات بازتاب یابد. همواره دو فضای متفاوت وجود دارد؛ یکی فضای رسمی و پشت درهای بسته مذاکرات و دیگری آنچه از طریق رسانه‌ها و اظهارات علنی منتقل می‌شود. اینکه خبرنگاران در جریان مستقیم مذاکرات حضور ندارند، نشان‌دهنده همین موضوع است». او ادامه داد: «مذاکرات تا جایی که به بن‌بست نرسد، ادامه پیدا می‌کند و طرفین تلاش دارند مواضع خود را به یکدیگر نزدیک کنند. به‌هرحال اختلاف‌هایی وجود دارد. اگر قرار بود ما عضو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باشیم اما غنی‌سازی نکنیم، این عضویت بی‌معنا می‌بود. ابتدا اعلام کردند ایران نباید هیچ سطحی از غنی‌سازی داشته باشد، اما در مقابل خواستار حضور بازرسان آمریکایی فراتر از چارچوب آژانس شدند. این خواسته متناقض است؛ اگر قرار نیست غنی‌سازی انجام شود، نیازی به بازرسی هم وجود ندارد».

اما در همین راستا کیهان خواهان توقف مذاکرات است. این روزنامه نوشته :«استیو ویتکاف، فرستاده ویژه ترامپ برای مذاکره غیرمستقیم با ایران، در مصاحبه با شبکه «ای‌بی‌سی‌نیوز» گفته است؛ «ما خط قرمز واضحی داریم که غنی‌سازی است. ما حتی نمی‌توانیم اجازه یک درصد ظرفیت غنی‌سازی را به ایران بدهیم»! مگر رسماً اعلام نکرده بودیم در مذاکرات غیرمستقیم، غنی‌سازی خط قرمز ماست؟ آمریکا دیگر با چه زبانی باید بگوید قصد عبور از خط قرمز ما را دارد که باور کنیم و تا خط قرمز ما را نپذیرفته است از ادامه مذاکرات خودداری کنیم؟ مگر قرارمان این نبود؟!»

بین الملل ۳
چه شد که واشنگتن به موضع غنی‌سازی صفر بازگشت؟
تولید وتجارت ٤
افزایش تورم برای صنعتگران
آذربایجان ۵
آغاز تعمیرات اساسی مجتمع پتروشیمی تبریز
هنر وسینما ٦
پایان سلطنت دایناسور
استان ها ۷
مازندران در آستانه بحران جمعیتی
ورزش ۸
خداداد عزیزی:
تراکتور فوتبالی قهرمان شد و پزشکیان و تاج برای ما گل نزدند

موضوع غنی سازی به هیچ عنوان قابل مذاکره نیست

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به خبرنگار مبنی بر اینکه آیا آنطور که برخی رسانه‌های غربی گزارش داده‌اند همزمان با مذاکرات عراقچی–ویتکاف، روند مذاکراتی موازی دیگری بین دو طرف وجود دارد؟ گفت: تنها روند مذاکراتی که از طرف جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، مذاکرات وزیر محترم خارجه و از طرف آمریکایی نماینده ویژه رئیس جمهور آمریکا است که گفت‌وگوها را مدیریت می‌کنند.

«اسماعیل بقائی» نشست خبری ۲۹ اردیبهشت را با یاد و نام شهید حسین امیرعبداللهیان آغاز کرد و گفت: به روح بزرگ ایشان درود می‌فرستیم و امیدواریم قدردان زحمات ایشان باشیم. ایشان در تواضع اخلاق مسئولیت‌پذیری و کاردانی بود که در دوره مدیریت ایشان اقدامات خوبی انجام شد که عضویت ایران در اسناد مهم چندجانبه ازجمله شانگهای و بریکس بود و ایشان نقش مهمی در دفاع مشروع ملت فلسطین در برابر اسرائیل داشت. یاد آیت‌الله رئیسی هم که در فاجعه سال گذشته به شهادت رسید، گرامی باد.

وی با اشاره به برگزاری مجمع گفت‌وگوی تهران گفت: دیروز و امروز شاهد مجمع گفت‌وگوی تهران بودیم که در حوزه دیپلماسی غیررسمی ایران مهم است.

بقایی با اشاره به سفر وزیر امور خارجه به قطر، عربستان و عمان گفت: در منطقه با بحران همیشگی جنگ‌طلبی اسرائیل مواجه بودیم و اتفاقات کرانه باختری و غزه دردآور است و تنها در ٢٤ ساعت گذشته ۲۰۰ انسان بی‌گناه کشته شدند که در سایه سکوت نهاد های حقوق بشری و حمایت تسلیحاتی آمریکا و انگلیس و دیگر کشورها در حال وقوع است و این جنایت علیه بشریت در تاریخ منطقه لکه تنگی است که پاک نخواهد شد.

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به خبرنگار ایرنا مبنی بر اینکه آیا آنطور که برخی رسانه‌های غربی گزارش داده‌اند همزمان با مذاکرات عراقچی–ویتکوف، روند مذاکراتی موازی دیگری بین دو طرف وجود دارد؟ گفت: تنها روند مذاکراتی که از طرف جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، مذاکرات وزیر محترم خارجه و از طرف آمریکایی نماینده ویژه رئیس جمهور آمریکا است که گفت‌وگوها را مدیریت می‌کنندو این مسئله خیلی شفاف اعلام شده و نتایج آن تا حدی که امکان اطلاع رسانی وجود داشته به صورت شفاف انجام شده است.

بقائی در پاسخ به سوال دوم درباره تصمیم ایران با توجه به اظهارات متناقض طرف آمریکایی در مذاکرات گفت: هر روند مذاکره‌ای برای حل یک چالش و حل یک اختلاف است لذا اینکه ما علی‌رغم شنیدن دیدگاه‌ها و اظهار نظرهای ضد و نقیض از طرف آمریکایی باز هم در مذاکرات شرکت می‌کنیم برای اثبات حقانیت و جدیدت وحسن‌نیت ایران برای رسیدن به یک تفاهم معقول عادلانه و پایدار است. اساساً صرف شرکت در یک روند مذاکراتی به معنی پذیرش دیدگاه برای پیگیری و رسیدگی به نقاط اختلاف است. از این جهت ما تا الان در این شرکت کردیم و امیدواریم که از این طریق بتوانیم نهایت به یک نتیجه معقول برسیم.

موضوع غنی سازی به عنوان بخشی از چرخه طبیعی صنعت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به هیچ عنوان قابل مذاکره نیست.

غنی سازی یک امر فانتزی نیست که ما بگوییم ایران متوقف کند یا تعلیق بکند؛ غنی سازی یک فناوری و یک نیاز هست برای اطمینان از اینکه صنعت هسته‌ای ایران بدون وقفه به کار خودش ادامه خواهد داد و نتیجه دهه‌ها زحمت و تلاش و خون دانشمندان هسته‌ای ماست بنابراین هم حقیست که طبق معاهده منع اشاعه ایران از آن برخوردار هست و هم حاصل زحمت دانشمندان ایرانی است که به هیچ عنوان نمی شود از آن گذشت لذا موضوع ما در این زمینه خیلی روشن و صریح بیان شده است.

ما هر وقت که یک جلسه مذاکراتی داریم احساس می‌کنیم که پیشرفت‌های صورت گرفته و حداقل دیدگاه‌های همدیگر را می‌فهمیم اما متاسفانه همین که طرف های آمریکایی به واشنگتن می‌رسند مواضع دیگری را بیان می‌کنند و این ایجاد عدم قطعیت متعدد و مکرر کار را برای هر روند مذاکراتی دشوار می‌کند .

جمعه‌ها در تبریز دیگر مثل قبل نیستند؛ نه به خاطر تغییر فصل یا رنگ آسمان، بلکه به خاطر جای خالی مردی که با نفس‌های گرمش، با نگاه پدرانه‌اش، و با خطبه‌هایی که بوی صداقت می‌دادند، به این شهر جان می‌داد.

دیگر کسی نیست که با عبای خاکی و چهره‌ای متبسم، از میان صفوف مردم عبور کند، به چشم نوجوانی خیره شود و بگوید: «آفرین پسر خوب!» کسی نیست که بی‌تکلف وارد بازار شود، بی‌واهمه سوار مترو شود، بی‌هیچ فاصله‌ای از مردم نان بگیرد و دردشان را گوش کند.

جمعه‌ها دیگر آرام نیستند. حتی مناره‌های بلند مصلی هم انگار دلشان تنگ است برای خطبه‌هایی که نه از روی کاغذ، که از دل خوانده می‌شدند.

یک‌سال گذشته، اما نه دل تبریز آرام گرفته، نه خاطره‌ها رنگ باخته‌اند. هنوز صدای آن سلام گرم، آن شوخی‌های بی‌ریا، آن پیگیری‌های پنهان، در کوچه‌پس‌کوچه‌های این شهر شنیده می‌شود. هنوز بسیاری هر روز، هنگام عبور از میدان ساعت یا صف نانوایی چهارراه شریعتی، در دلشان با او حرف می‌زنند.

هنوز بسیاری جمعه‌ها به مصلی می‌آیند، فقط برای اینکه چند لحظه، جای خالی‌اش را تماشا کنند و آه بکشند.

مردم او را دیده بودند که تنهایی می‌رود نانوایی و برای خانه‌اش نان می‌خرد، می‌رود از سوپرمارکت ماست و پنیر می‌خرد به همراه همسرش برای خرید پارچه راهی بازار می‌گردد، وقتی که امکان و فرصتش را دارد سوار مترو و تاکسی می‌شود و به نماز جمعه می‌رود، او سوار بی‌آرتی هم می‌شود.

او را دیده بودند که سر راهش در هر مراسم ختمی که در یک مسجد برگزار می‌شود شرکت می‌کند؛ حتی او را دیده بودند که سرزده به یک اداره می‌رود، سرزده به بچه‌های بهزیستی سر می‌زند، چندساعت از محلات و کوچه‌های پایین‌شهر بازدید می‌کند، او کارهای خارق‌العاده انجام نمی‌داد و شاید برای همین آل‌هاشم بود و هست.

روزهای اول تعجب مردم آذربایجان و کل ایران را برانگیخت. از همان موقع که از یک عکاس تشکر کرد. این موضوع حتی تیتر یک روزنامه سراسری هم شد. اما بعدها یک پسر جوان یادداشتی نوشت: «من وقتی در تهران سرباز بودم، آقای آل‌هاشم را که آن موقع رئیس عقیدتی سیاسی ارتش بود نمی‌شناختم. یک‌روز منتظر تاکسی بودم که او با ماشینی که خود می‌راند رسید و مرا تا مقصدم رساند.»

آن پسر جوان نوشته بود که هیچ‌کس همراه او نبود و حتی راننده هم نداشت، کلی هم با مهر و محبت رفتار کرده، بدون اینکه خود را معرفی کند. از این یادداشت می‌توان فهمید که رفتار آل‌هاشم ریشه داشت.

ریشه‌اش در خیابان وحدت بود؛ از محلات پایین‌شهر تبریز. پدرش آیت‌الله آل‌هاشم همچنان در آن خیابان زندگی می‌کند، در خانه‌ای ساده. آیت‌الله سیدمحمدتقی آل‌هاشم از علمای برجسته تبریز است و مردم او را دوست دارند. سیدمحمدعلی هم پسر آن پدر بود؛ پسر پدری که فکر نکرد می‌توان در بالای شهر برجسته‌تر بود.

سخنرانی‌هایش از ۱۵ دقیقه متجاوز نمی‌شد ولی سعی می‌کرد حرف‌هایی بزند که نشات‌گرفته از تفکر واقعی و اعمال خود باشد.

آل‌هاشم زیاد درمورد اهمیت وقت و زمان سخنرانی نمی‌کرد، اما در یکی از همایش‌ها که مسئولان خود همایش دیر آمدند، او برنامه را ترک کرد و نشان داد وقت مردم بی‌ارزش نیست.

در بحبوحه اغتشاشات در سراسر کشور، این تنها تبریز و تبریزی‌ها بودند که در آرامش و آسایش به سر می‌بردند، خیلی‌ها می‌گویند یکی از دلایل آرامش تبریزی‌ها امام جمعه‌شان بود.

آن زمان که سایت‌های معاند بازی تراکتورسازی را وعده آغاز اغتشاش‌ها در تبریز اعلام کرده بودند، آل‌هاشم با همراه کردن چندتن از مسئولان دیگر، به استادیوم رفت و از تیم شهرش حمایت کرد. او ۹۰ دقیقه به علاقه مردم وقت صرف کرد و شاید همین توجه برای جوانان کافی بود که در نهایت ادب، احترام و آرامش بعد از بازی استادیوم را ترک کنند.

آل‌هاشم در این مدت به وظایفش عمل کرد، حتی آن دسته وظایفی که «وظیفه» اش نبودند. او به افتتاح طرح‌های شهری رفته و کلنگ‌زنی کرد، او تمام وقتش را در سطح شهر سپری کرد، در همایش‌ها، جلسات، معابر عمومی، وسائط نقلیه و... که توانسته در اولین سالگرد حضور خود در تبریز، از مردم نمره عالی را بگیرد.

در کوچه‌های قدیمی و بازارهای شلوغ تبریز، از پیر و جوان، مرد و زن، همه به یک اسم می‌رسند: «آل‌هاشم».

گشتی زدیم و با کسانی گفت‌وگو کردیم که سال‌ها شاهد رفتار و منش امام جمعه فقید بودند. علی مردانی، فروشنده نان در بازار، با چشمی پر از اشک می‌گوید: حاج آقا همیشه خودش می‌آمد نان می‌خرید. یادم می‌آید یک‌بار گفت نان تازه برای خانواده‌ام لازم دارم، اما هیچ‌وقت اجازه نمی‌داد ما بفهمیم که امام جمعه است. خیلی مهربان بود، اصلاً مثل آدم‌های معمولی نبود، خیلی صمیمی و ساده بود.

سارا لطفی، دانشجوی دانشگاه تبریز هم خاطرنشان می‌کند: همه ما در دانشگاه وقتی حاج آقا را می‌دیدیم، حس می‌کردیم واقعاً به درد ما اهمیت می‌دهد. خطبه‌هایش کوتاه و گویا بود، اما حرف دل همه را می‌زد. آنقدر در نماز جمعه گرم حضور داشت که ما هر جمعه منتظر بودیم صدای خطبه‌هایش را بشنویم.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدعلی آل‌هاشم به گفته بزرگان، یک الگوی کم‌نظیر برای ائمه جمعه و تمام مسئولان کشور بود.

در سالگرد پرواز مردی از جنس مردم، مردی که امام جمعه بودن را به کوچه‌های زندگی آورد، با مردم شهرش هم‌قدم شدیم؛ تا ببینیم تبریز از نبودن او چه می‌گوید. سیدمحمدعلی آل‌هاشم نه فقط امام جمعه، که یک همراه واقعی بود؛ مردی که خود را از مردم نمی‌دانست جدا، بلکه جزئی از آنها بود. او سوار مترو و تاکسی شد، در کنار مردم خرید کرد، به دردشان گوش داد و برایشان تلاش کرد.

او چند سال با مردم تبریز زندگی کرد و یک سال بعد از پروازش، خاطره‌اش همچنان در دل‌ها زنده است.

این مرد، بیش از هر سخنرانی، با عمل خود سخن گفت و همین باعث شد نه فقط به عنوان امام جمعه، که به عنوان یک دوست و پدر مهربان در خاطر مردم تبریز بماند.

رضا، مغازه‌داری در محله پایین‌شهر هم می‌گوید: یک روز سرزده به مغازه من آمد، پای درد و دلم نشست. از مشکلات مردم حرف زدیم، به گوش مسئولین هم رساند. خیلی زود کارها پیگیری شد. این رفتار باعث شد که مردم به او اعتماد کنند.یک جوان دیگر که در ورزشگاه تراکتورسازی روزی باحضور امام جمعه بازی را دیده بود، می‌گوید: آن روز حاج آقا به ورزشگاه آمد که به خاطر مردم شهرش بود. ۹۰ دقیقه کنار ما ماند و بعد از بازی همه با احترام و آرامش ورزشگاه را ترک کردند. این حرکت ساده اما اثرگذار بود.یک سال از روزی که حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدعلی آل‌هاشم در حادثه دلخراش بالگرد رئیس‌جمهور به شهادت رسید، می‌گذرد؛ اما جای خالی او هنوز بر دل تبریز سنگینی می‌کند.او امام جمعه‌ای نبود که فقط خطبه بخواند؛ او مردی بود که زندگی را ساده گرفت، مردمی زندگی کرد و مردمی رفت.

مردم تبریز می‌دانند که امام جمعه‌شان یک الگو بود؛ الگویی از مهربانی، صداقت، و در دسترس بودن. مردمی که امروز در نماز جمعه و کوچه و بازار از او یاد می‌کنند، هنوز به رفتارش افتخار می‌کنند و با اشک به یادش می‌نشینند.

سالگرد شهادت حجت‌الاسلام آل‌هاشم، فرصتی است برای یادآوری مردی که نشان داد مسئولیت فقط اداری نیست، بلکه دل با مردم بودن است، درد مردم را فهمیدن است، و برای آنها بودن است.تبریز هنوز او را دارد؛ در خاطره‌ها، در دل‌ها، در جمعه‌ها، در کوچه‌ها و در دل هر کسی که به مردمی بودن ایمان دارد.